

پژوهشهای حقوق جزا و جرم‌شناسی

علمی

شماره ۱۶

هزار و سیصد و نود و نه - نیمسال دوم (دوفصلنامه)

- خشونت جنسی علیه زنان ایزدی به مثابه نسل‌کشی با تأکید بر رأی دادگاه بین‌المللی رواندا
در پرونده آکایسو
۷
دکتر علی خالقی - محمدرضا برزگر
- بازدارندگی راهبردهای سازمان تعزیرات حکومتی
۳۳
نعمت‌اله بیرانوندی - دکتر قباد کاظمی
- عوامل تخفیف مجازات در آرای دیوان بین‌المللی کیفری
۵۳
دکتر صادق سلیمی
- رویکرد دیوان کیفری بین‌المللی نسبت به اهداف مجازات
۷۹
مهدی رضا صادقی - دکتر سید قاسم زمانی
- واقع‌گرایی در تصمیم‌گیری کیفری
۱۱۳
دکتر ایوب نوریان - دکتر غلامرضا محمدنسل
- دادرسی اختصاری در جرایم جنسی (چالش‌ها و راهکارها)
۱۳۵
دکتر هادی رستمی - ناصر قربان‌پور
- مفهوم و کارکرد «قضیه» در «دیوان کیفری بین‌المللی»
۱۶۳
دکتر محمدهادی ذاکر حسین
- واکاوی رویکردهای تعقیب‌زدا در پرتو سیاست فردی کردن عدالت کیفری
۱۹۳
حسین فتح‌آبادی - دکتر محمدعلی مهدوی ثابت
- عقلانیت مرجع در فرایند سیاست‌گذاری جنایی ایران
۲۱۷
دکتر علی صفاری - پگاه نادری
- واکاوی جرایم سه‌گانه (تصرف عدوانی، مزاحمت و ممانعت از حق) در پرتو تفاسیر پراکنده
محاكم دادگستری
۲۴۵
دکتر ابوالقاسم خدادادی
- سنجش تأثیر اعتیاد و وضعیت سرپرستی بر کودک‌آزاری جنسی
۲۶۷
سپیده شهیدی - دکتر ته‌مورث بشیریه - دکتر سید مهدی صابری - دکتر اصغر عباسی
- مبانی سیاسی و چالش‌های عملی جبران خسارت بازداشت‌شدگان بی‌گناه در فرایند کیفری
ایران
۲۸۹
جهانبخش سلیمانی - دکتر ایرج گلدوزیان - دکتر محمد روحانی‌مقدم





دادرسی اختصاری در جرایم جنسی (چالش‌ها و راهکارها)

مقاله علمی - پژوهشی

دکتر هادی رستمی* - ناصر قربان‌پور**

چکیده:

قانون آیین دادرسی کیفری ایران (۱۳۹۲) در ماده ۳۰۶ نوعی دادرسی اختصاری/مستقیم را برای جرایم جنسی تجویز نموده است که ریشه آن به موضوعی در شرع با عنوان «بزه‌پوشی» برمی‌گردد. با بررسی فلسفه بزه‌پوشی ملاحظه می‌گردد که مفهوم موردنظر شارع با بیشتر پرونده‌های مرتبط با رابطه نامشروع خروج موضوعی دارد. شرع در صورتی متهم عمل شنیع را بدو به بزه‌پوشی و عدم اقرار توصیه می‌کند که او داوطلبانه و بدون داشتن شاکی قصد اقرار داشته باشد، حال آنکه در عمل پرونده‌هایی که بدون شکایت شاکی و تعقیب دادستان مطرح می‌شوند، محدود و بسیار اندکند. تجویز دادرسی مستقیم در جرم‌های جنسی، چالش‌های پیش‌بینی‌نشده‌ای فراروی کنشگران عدالت کیفری قرار داده که به اختلاف صلاحیت‌های مکرر میان مراجع قضایی، دلسردی بزه‌دیدگان، تشدید حس بزه‌دیدگی، عدم تعقیب منسجم متهمان و اطاله دادرسی دامن می‌زند. راهکار مناسب برای حل چالش‌ها، آن است که در فرضی که جرم‌های جنسی همراه با سایر جرایم مطرح گردند، به تمام اتهام‌ها مطابق روال منطقی در دادسرا و دادگاه (بدون تفکیک) رسیدگی شود. تحلیل داده‌های آماری که از رهگذر ارزیابی پیمایش و پرسش‌نامه‌های میدانی میان هفتاد قاضی صورت گرفته و در قالب جدول‌ها و نمودارها نشان داده شده، متضمن ایرادهای پُرشمار اختصارگرایی در جرایم جنسی و

* استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی‌سینا، همدان، ایران، نویسنده مسئول
Email: h.rostami@basu.ac.ir

** کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه پیام نور، واحد تهران جنوب، تهران، ایران
Email: naser53735373@gmail.com

تجویز راهکار متعارف رسیدگی است.

کلیدواژه‌ها:

دادرسی اختصاری، جرایم جنسی، عمل منافی عفت، روابط نامشروع، بزه‌پوشی.

مقدمه

دادرسی اختصاری، شیوه‌ای از دادرسی کیفری است که به‌موجب آن، پرونده اتهامی بدون مداخله دادسرا و تنظیم کیفرخواست، به‌طور مستقیم در دادگاه کیفری مطرح و مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. نظام‌های حقوقی به‌منظور سرعت بخشیدن به فرایند کیفری یا دیگر ملاحظات، سازکارهایی را پیش‌بینی کرده‌اند که ازجمله آنها، اختصاری‌سازی است. این سازکارها به‌طور عمده ناظر به جرم‌های کم‌اهمیت یا جرایم اطفال و نوجوانان است، زیرا تسریع رسیدگی در جرایم مهم، نظیر جرم‌هایی که حبس‌های طولانی‌مدت دارند، به‌لحاظ اهمیت و پیچیدگی قضایی مستلزم رسیدگی دقیق و دومرحله‌ای است. در واقع، رسیدگی اختصاری که در نظام‌های حقوقی برخی کشورها بدون حضور هیئت‌منصفه صورت می‌گیرد، بیشتر در جرایم ساده از قبیل تخلفات رانندگی یا جرایم اطفال و نوجوانان که دادرسی آنها حمایتی و مبتنی بر مصالح عالیه است، معمول می‌باشد. در حقوق انگلستان، جرایم سبک مانند ضرب‌و‌جرح عادی و کم‌اهمیت، خسارت جزایی کمتر از دوهزار پوند و تخلفات رانندگی، در دادگاه صلح رسیدگی می‌شوند.^۱

اختصارگرایی، در مفهوم عدم مداخله دادسرا در تحقیقات، در پاره‌ای جرایم مورد توجه قانون‌گذار ایرانی قرار گرفته است. مواد ۱۰۲ و ۳۰۶ ق.آ.د.ک با ایجاد سازکار «ممنوعیت تعقیب و تحقیق» در جرایم منافی عفت، در ظاهر بر اصل بزه‌پوشی که ریشه در سیاست جنایی اسلام دارد و دادرسی مستقیم، صحه می‌گذارند.^۲ اختصاری‌سازی در این جرایم و تجویز مداخله مستقیم برای دادگاه در امر تعقیب، تحقیق و رسیدگی، بیش از آنکه در راستای مدیریت دستگاه عدالت کیفری در جهت تسریع و صرفه‌جویی در هزینه‌های دادرسی باشد، ظاهراً با ابتناء بر ملاحظات شرعی به‌منظور کاهش پیامدهای منفی دخالت نهادهای کیفری،

۱. در این رابطه، نک: فرید ضرغامی و نسربین مهرا، «مبانی دادرسی بدون کیفرخواست در نظام‌های حقوقی ایران و انگلستان»، مجله پژوهش‌های حقوق تطبیقی ۲ (۱۳۹۳)، ۱۲۹ و ۱۳۴.

۲. از اصول حاکم بر سیاست کیفری اسلام، بزه‌پوشی است که به‌معنای نادیده انگاشتن و تجاهل به ارتکاب جرم می‌باشد. در این رابطه، نک: سید محمد میرخلیلی، «مبانی و راهبرد سیاست جنایی اسلام»، در مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی علوم انسانی/اسلامی ۲ (۱۳۹۴)، ۳۳۰ و نیز هادی رستمی، آیین دادرسی کیفری (تهران: نشر میزان، ۱۳۹۷)، ۱۶۷.

به‌ویژه قضات دادسرا و ضابطان دادگستری و در نتیجه برچسب خوردن فرد تقریر شده است.^۳ تجویز دادرسی مستقیم در جرایم جنسی، قطع نظر از ملاحظات شرعی آن، چالش‌های پیش‌بینی‌نشده‌ای را فراروی قضات، شاکیان و متهمان قرار می‌دهد که به‌نوعی اهداف قانونگذار را به چالش می‌کشد. این چالش‌ها، در عمل موجب شده نه تنها اهداف موردنظر قانونگذار تأمین نشود، بلکه با ایجاد نهادهایی با صلاحیت‌های مختلف و در عرض همدیگر و سردرگمی شاکیان در طرح شکایت‌ها و اختلاف صلاحیت‌های پی‌درپی و طولانی شدن روند رسیدگی و فاصله زیاد دادگاه‌های کیفری یک که در مرکز استان‌ها مستقرند، از محل اقامت شاکیان، یک نوع سیاست جنایی ناکارآمد را به تصویر می‌کشد که سبب نارضایتی کنشگران عدالت کیفری و تشدید بزه‌دیدگی قربانیان جرایم جنسی شده است.

پژوهش حاضر که یافته‌های آن با ابتناء بر مطالعات کتابخانه‌ای، تحلیل آراء و روش تحقیق پیمایشی و تدوین پرسش‌نامه و مصاحبه فراهم شده است، به دنبال بیان چالش‌ها و ایرادهای اساسی دادرسی اختصاری/ مستقیم در جرایم جنسی و پیشنهادهایی برای برون‌رفت از آن است. بر این اساس، تحقیق، نخست از طریق منابع کتابخانه‌ای شروع می‌شود و سپس رویه قضایی موردبررسی قرار گرفته و سرانجام جهت مشخص شدن دیدگاه قضات پیرامون ایرادهای این نوع دادرسی و نحوه برطرف کردن آنها، اقدام به توزیع پرسش‌نامه بین هفتاد قاضی گردید که با استفاده از علم آمار تحلیل نهایی آن انجام می‌شود. علت انتخاب قضات و توزیع پرسش‌نامه میان آنها، افزون بر دسترسی آسان به ایشان، این بود که تفهیم موضوع و هدف تحقیق برای افراد عادی، مانند شاکیان و متهمان، به‌سادگی امکان‌پذیر نبود و این افراد تمایل چندانی به همکاری پژوهشی از خود نشان نداده و بیشتر به دنبال حل‌وفصل و به فرجام رساندن شکایت هستند. وانگهی، آنها بیشتر افرادی هستند که به دلیل سطح تحصیلات پایین یا اطلاعات غیرمرتبط قادر به تکمیل پرسش‌نامه به‌نحو مطلوب نمی‌باشند. همچنین، شناسایی این افراد و تبیین موضوع نیز نیاز به یک بازه زمانی گسترده و تحقیق میدانی مفصل دارد که خارج از میزان وقت در نظر گرفته‌شده برای قسمت تحلیل آماری است؛ بنابراین، قضات، از آنجایی که به‌صورت مستمر و روزانه با مشکلات دادرسی مستقیم در جرایم جنسی

۳. سید محمد حسینی و نفیسه متولی‌زاده نائینی، «بررسی نظریه برچسب‌زنی با نگاه به منابع اسلامی»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی ۴ (۱۳۹۱)، ۱۲۶ و نیز نک: باقر شاملو و افشین عبداللهی، «دستاوردهای مدیریتی جرم‌شناسی در آیین دادرسی کیفری»، دوفصلنامه پژوهشنامه حقوق کیفری ۲ (۱۳۹۴)، ۱۲۸-۹۹.

درگیر بوده و موضوع و مشکلات آن آشکارا برای آنها ملموس است - و این امر، ضریب خطا یا انحراف آماری را به شدت کاهش می‌دهد - مناسب‌ترین گروه برای روش پیمایشی هستند. با لحاظ مشکلات مذکور و نیز با اذعان به اینکه هیچ پژوهش عمیقی در رابطه با چالش‌های دادرسی مستقیم در جرایم جنسی، به‌ویژه با رویکرد آماری، انجام نشده است، این مقاله آهنگ آن را دارد که برای نخستین بار با کاربری روش کتابخانه‌ای و روش تحقیق پیمایشی و تمرکز بر مبانی سیاست‌گذاری تقنینی دادرسی اختصاری در جرایم جنسی (۱)؛ شناسایی چالش‌های حادث‌شده در رویه‌های عملی (۲)؛ و رویه قضایی و تجربه‌های قضات (۳)؛ و سرانجام تحلیل نمونه‌های آماری (۴)، راهکاری برای خروج از مشکل مذکور عرضه نماید.

۱- مبانی سیاست‌گذاری تقنینی

دادرسی مستقیم در جرایم جنسی، آن‌سان که گفته شد، بیش از آنکه ملاحظات جرم‌شناختی و روان‌شناختی داشته باشد، متأثر از سیاست جنایی اسلام است که بر بزه‌پوشی و ممنوعیت تعقیب و تحقیق در جرایم مذکور، جز در موارد استثنائی، تأکید می‌نماید. ماده ۳۰۶ ق.آ.د.ک که به رسیدگی مستقیم به جرایم منافی عفت اشاره می‌کند، در همین راستا موردتوجه قرار گرفته است. منظور از جرایم منافی عفت، به تصریح تبصره این ماده: «جرایم جنسی حلی، همچنین جرایم رابطه نامشروع تعزیری مانند تقبیل و مضاجعه است». هدف اصلی طرح مستقیم این نوع پرونده‌ها در دادگاه، به ظاهر برای جلوگیری از انتشار اخبار مربوط به این جرایم و اشاعه فحشاست. به باور برخی حقوق‌دانان، فلسفه ممنوعیت دادسرا از تحقیق درخصوص پرونده‌های زنا و لواط، مصلحت عمومی، صیانت از نظم و اخلاق حسنه و جلوگیری از شیوع فساد می‌باشد.^۴ بزه‌پوشی علت دیگری نیز دارد و آن جلوگیری از زوال قبح عمل در جامعه است، به این معنا که وقوع گناه و جرم در سطح جامعه یک اثر دارد و افشای آن اثر دیگری به دنبال داشته و استفاده گسترده از مجازات سبب از بین رفتن قبح و زشتی آن می‌گردد.^۵ برخی دیگر بر این باورند که مهم‌ترین توجیهی که موجب شده که قانونگذار نگاه ویژه‌ای به جرایم جنسی داشته باشد، رویکردهای سخت‌گیرانه در عدم‌اثبات و به تبع آن

۴. رجب‌گلدوست جویباری و فرامرز قلی‌پور جمنانی، «عدول از اصل تفکیک مقام تعقیب از مقام تحقیق در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲»، مجله حقوقی دادگستری ۹۲ (۱۳۹۴)، ۱۳۹.

۵. مهدی شیدائیان و یزدان نصرتی، «شناسایی و چالش‌های تعقیب کیفری با نگاهی به حقوق انگلستان»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی ۸۲ (۱۳۹۷)، ۱۷۳.

عدم‌افشاء می‌باشد^۶ که توجیه قانع‌کننده‌ای است.

ضرورت تأمین حقوق مردم و نیز ترمیم خسارات و زیان‌های بزه‌دیدگان در حقوق اسلام مورد تأکید جدی است و تحقق این امر، ناگزیر منوط به افشای تجاوز و معرفی متجاوز است. به همین دلیل، دادخواهی ستم‌دیده و اظهار آنچه مجرم با وی کرده است، اگرچه در نهان مرتکب شده باشد، از موارد جواز تجسس و اظهار تبهکاری قلمداد شده است.^۷ بنابراین، امکان مداخله بزه‌دیده در جریان تعقیب به‌منظور احقاق حقوق وی به رسمیت شناخته شده و در این راه نه تنها نهان‌سازی جرم ممنوع نشده، بلکه متهم مکلف است در محاکم حضور یافته و پاسخگو باشد. با این حال، برداشت اکثریت از بزه‌پوشی صحیح نیست، زیرا بزه‌پوشی دلالت بر نهی افراد از تجسس در امور دیگران و ترغیب افراد بزه‌کار به توبه و اصلاح خود به جای رفتن نزد مراجع قضایی و اقرار نزد آنها و منع از افشاگری بر ضد دیگران در این امور زشت دارد.^۸ آیت‌الله خامنه‌ای در پاسخ به این پرسش: «چنانچه شخصی مورد تجاوز جنسی قرار گرفته باشد، آیا بیان شکایت و ظلم به وی در نزد قضات دادسرا، دادگاه و ضابطین با قید جزئیات آن محدودیتی دارد؟ و چرا در شرع از اقرار در این خصوص منع شده است؟» عنوان داشته‌اند: «طرح دعوی و بیان جزئیات در حدودی که شرع الزام کرده، اشکالی ندارد و در صورتی که مفسده بزرگ‌تر نداشته باشد، مورد منع نیست. آنچه منع شده، اقرار به گناه و درخواست مجازات از طرف مرتکب عمل شنیع است در این موارد، شرع توصیه به توبه واقعی کرده است.»^۹

نکته قابل توجه آن است که در وضعیت فعلی بسیار بعید می‌نماید فردی بدون وجود شاکی و احضاریه، شخصاً به دادگستری مراجعه و با اقرار به ارتکاب جرم جنسی، تقاضای مجازات و تطهیر را نماید. آنچه روزانه دادگستری با آن مواجه می‌شود، طرح دعوی با شکایت خصوصی اشخاص است. فردی ادعای آدم‌ربایی و توقیف غیرقانونی و تجاوز به عنف یا لواط را مطرح می‌کند یا شاکی، شوهر یا همسر متهم بوده و اظهار می‌دارد شریک زندگی‌اش با فرد دیگری رابطه نامشروع دارد و به او خیانت کرده است؛ بنابراین، تفکیک موضوع در فرضی که شاکی

۶. عبدالعلی توجیهی و رحمان صبوچی، «سیاست جنایی بزه‌پوشی در حدود (با تأکید بر جرایم منافی عفت)»، *مجله دادرسی* ۱۰۸ (۱۳۹۳)، ۱۶.

۷. مهدی زارعی محمودآبادی، «واکاوی بزه‌پوشی در قوانین کیفری ایران»، *مجله مطالعات حقوق* ۱۷ (۱۳۹۶)، ۲۹۹.

۸. علی محمدی جورکویه، «سیاست جنایی اسلام در جرایم جنسی»، *مجله حقوق اسلامی* ۲۴ (۱۳۸۹)، ۹۷.

۹. پایگاه اینترنتی دفتر آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، <http://www.leader.ir/fa/istifta>.

خصوصی وجود دارد و زمانی که گزارشی بر وقوع جرم جنسی (بدون وجود شاکی خصوصی) واصل می‌شود، حیاتی است و سیاست کیفری یکسان در رابطه با این دو موضوع پاسخگو نیست. بزه‌پوشی و ممنوعیت تعقیب و تحقیق بیشتر در رویکرد دوم، یعنی فرضی که شاکی وجود ندارد، مورد توجه شارع است.

۲- چالش‌های اختصارگرایی

حفظ دلایل اثباتی و جلوگیری از امحای آنها، در برخی موارد، مستلزم انجام تحقیقات سریع، دقیق و فنی است. مداخله بازپرس در امر تحقیق در جرایم مهمی مانند تجاوز جنسی، جمع‌آوری ادله و سرعت بخشیدن به تحقیقات را به مراتب تسهیل می‌نماید. با توجه به اینکه دادگاه کیفری یک که متولی تحقیق و رسیدگی به این جرایم می‌باشد، به طور معمول در مرکز استان قرار دارد تا هنگام ارسال پرونده و اعزام متهم یا شاکی به آن مرجع، زمان طولانی تحقیقات از دست می‌رود و این امر چنانچه مصادف با ایام تعطیل نیز باشد، انجام تحقیقات با مشکلات جدی‌تر مواجه خواهد شد. وانگهی، دادرسی بدون کیفرخواست و سپردن تحقیق به قضات دادگاه که هم‌زمان وظیفه تحقیقات و محاکمه را برعهده داشته باشند، عادلانه نبوده و با اصل بی‌طرفی قاضی سازگاری ندارد، زیرا این نوع دادرسی می‌تواند به شدیدترین مجازات‌ها همچون اعدام و رجم منجر گردد.^{۱۰} افزون بر این، در پاره‌ای موارد، دادگاه کیفری یک برای انجام تحقیقات ناگزیر به اعطای نیابت به دادگاه محل وقوع جرم است که در این صورت به نوعی «دور» حاصل شده و دادگاهی که صالح نیست، باید تحقیقات را مطابق نظر دادگاه کیفری یک انجام بدهد. ادامه این رویه، سبب می‌شود بزه‌دیدگان به دلیل عدم اطمینان از کارآمدی ضابطین و مراجع قضایی، حاضر به گزارش بزه‌دیدگی نشوند.^{۱۱} به تعبیر بنتام، «مجرم قاضی منافع خود است» و پیش از ارتکاب هر بزه، ریسک کشف جرم و دستگیری و نوع رسیدگی و صدور و اجرای رأی را می‌سنجد^{۱۲} و سپس مرتکب بزه می‌شود، پس باید رویه قضایی طوری عمل کند که بزه‌کار را به انصراف از ارتکاب جرم مصمم نماید و بزه‌دیده را نیز در پیگیری شکایت خود یاری رساند.

۱۰. گلدوست جویباری و قلی‌پور جمنانی، پیشین، ۱۴۱.

۱۱. عبدالعلی توجهی، «سیاست جنایی حمایت از بزه‌دیدگان»، مجله مجتمع آموزش عالی قم ۴ (۱۳۷۸)، ۳۶.

۱۲. جواد صالحی، «رویه قضایی دادگاه‌های بین‌المللی کیفری در مواجهه با جرایم جنسی علیه کودک‌سربازان دختر»، فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی ۶۱ (۱۳۹۵)، ۱۷.

برای مثال، فردی که در شهری با فاصله ۱۰۰ کیلومتری از مرکز استان، بزه‌دیده تجاوز و آدم‌ربایی قرار می‌گیرد، نخست به دادرسی محل مراجعه نموده و شکایت آدم‌ربایی و تجاوز را مطرح می‌کند. دادرسی ابتدا به شکایت وی دایر بر آدم‌ربایی رسیدگی کرده و درخصوص آن از شاکی و گواهان تحقیق می‌نماید. با اتمام این مرحله، درخصوص تجاوز، قرار عدم‌صلاحیت به شایستگی دادگاه کیفری یک مرکز استان صادر می‌کند. شاکی پس از پیمودن مسافت باید دوباره ادله و مدارک خود را این بار در دادگاه ارائه نموده و شهود خود را نیز حاضر کند. بدین‌سان، دو مرجع در عرض هم اقدام به انجام تحقیق می‌نمایند. حتی اگر در همان آغاز تعقیب، دادرسی پرونده اتهامات را تفکیک نموده و درمورد تجاوز قرار عدم‌صلاحیت صادر کند، تفاوتی در نتیجه ایجاد نشده و شاکی لاجرم باید شکایت را هم‌زمان در دو مرجع پیگیری نماید. هرچند در ظاهر این دو، حوزه تحقیق متفاوتی دارند، اما در عمل به دلیل عدم تفکیک موضوع شکایت و واقعه رخ داده در یک راستا حرکت می‌کنند. بعد از سردرگمی شاکی، نوبت به ضابطین می‌رسد که باید دستورهای مشابه برای این دو مرجع اجرا نمایند. در ادامه نیز باید دادگاه کیفری یک منتظر تعیین تکلیف پرونده طرح شده در دادرسی باشد، زیرا احتمال صدور آرای متعدد و گاه متعارض برای متهم واحد وجود دارد. مشاهده عمق این چالش‌ها با ملاحظه پرونده‌های طرح شده در دادگاه‌ها و پشت میز قضات آشکار می‌گردد.

۲-۱- اختلاف صلاحیت‌های مکرر

مشکل دیگری که اختصاری‌سازی در جرم‌های جنسی پدید می‌آورد، اختلاف صلاحیت‌های مکرر بین دادرسی و دادگاه‌هاست. دلیل این اختلاف‌ها مشخص نبودن مصادیق جرایم جنسی و ابهام در این عنوان است. در حقوق بین‌الملل، جرم جنسی «هر صدمه‌ای است که برخلاف اراده شخص قربانی صورت می‌گیرد، درحالی‌که ناشی از قدرت نامشروعی است که در کارکردهای جنسی وی اعمال می‌شود»^{۱۳} اما در حقوق ایران و در ماده ۳۰۶ ق.آ.د.ک و تبصره آن، جرایم جنسی به عنوان یکی از مصداق‌هایی جرایم منافی عفت به‌شمار می‌آید و به عبارتی، جرم‌های منافی عفت شامل جرایم جنسی حدی و رابطه نامشروع تعزیری مانند تقبیل و مضاجعه است، اما تکلیف جرم‌هایی مانند «برقراری رابطه نامشروع از طریق تلفن و کانال‌های پیام‌رسان» یا «قوادی» یا «دایر کردن مرکز فساد و فحشاء»^{۱۴} یا «قاچاق زنان برای فحشاء»

۱۳. همان، ۱۲.

۱۴. دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۷۸۱۲۳۵۰۱۲۵۸ مورخ ۱۳۹۵/۰۷/۲۷ صادره از شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری دو

مشخص نیست.^{۱۵} قانونگذار در ماده مربوطه، به جای تعریف، مصادیق را احصاء نموده که این روش را تعریف به مصداق می‌نامند و آن غیر از تعریف کلی، جامع و مانع است که مطلوب اهل علم بوده و کاربرد فراوان دارد.^{۱۶} نظریه اداره حقوقی قوه قضائیه به شماره ۷/۹۴/۲۰۸۴ مورخ ۱۳۹۴/۰۷/۲۷ در این رابطه تا حدودی ابهام‌زدایی می‌کند: «(۱) ماده ۳۷ ق.م.ا. ۱۳۷۵، شامل دو بخش مختلف است. بخش اول ناظر به «روابط نامشروع» و بخش دوم ناظر به «عمل منافی عفت» است. در موارد موضوع این ماده (ماده ۳۰۶ قانون آ.د.ک) در خصوص روابط نامشروع، ارتباط فیزیکی بدنی شرط نیست، اما در ماده ۳۰۶ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ و اصلاحات و الحاقات بعدی، جرایم منافی عفت با توجه به تعریف مذکور در تبصره این ماده، شامل جرایم جنسی حدی و نیز روابط نامشروع تعزیری مانند تقبیل و مضاجعه می‌باشد؛ بنابراین با توجه به مثال‌های مذکور، منظور از جرایم رابطه نامشروع تعزیری در ماده ۳۰۶ قانون یادشده، تنها آن دسته از جرایمی است که در آنها رابطه جنسی فیزیکی شرط باشد؛ (۲) با توجه به آنچه که در بند یک پاسخ گفته شد، رسیدگی - انجام تحقیقات مقدماتی - به سایر جرایم مربوط به رابطه نامشروع مطابق قواعد عام حاکم بر دادرسی در صلاحیت دادسرا می‌باشد ...»^{۱۷} به دلالت واژه «رابطه» در تبصره ماده ۳۰۶، منظور از رابطه نامشروع، ارتباط میان دو نفر یا بیشتر است که از طریق تماس فیزیکی با یکدیگر عفت عمومی را جریحه‌دار می‌کنند. از این رو، شخصی که به تنهایی با رفتار خود، مانند عورت‌نمایی و برهنه کردن بدن، اخلاق عمومی را نشانه

شهرستان کبودرآهنگ همدان در این خصوص قابل توجه است: «در خصوص اتهام ... دایر بر تشکیل خانه فساد، فحشا، اشاعه فحشا و قوادی موضوع شکایت ...، با لحاظ ماده ۲۴۲ قانون مجازات اسلامی و ماده ۶۳۹ قانون تعزیرات، جرایم مذکور مشمول ماده ۳۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری (جرم جنسی حدی) نبوده، لذا پرونده به حضور اعاده می‌گردد تا اقدام مقتضی صورت گیرد و نسبت به انجام تحقیقات و عندالزوم صدور کیفرخواست اقدام نماید.»

۱۵. رحیم نوبهار، «قاچاق زنان برای روسپی‌گری از منظر آموزه‌های اسلامی با نگاه به مقررات بین‌المللی و حقوق ایران»، مجله مدرس علوم انسانی ۴۷ (۱۳۸۵)، ۸۷.

۱۶. محمود آخوندی، «اثبات جرایم منافی عفت از نگاهی دیگر»، مجله مطالعات راهبردی زنان ۲۲ (۱۳۸۲)، ۱۰۷.

۱۷. به نقل از: محمدعلی شاه‌حیدری‌پور، احمد رفیعی و محمدجواد شهسواری، قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ (با الحاقات و اصلاحات بعدی) و نظریه‌های مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه به انضمام مواد قانونی مرتبط، آرای وحدت رویه (تهران: روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۵)، چاپ دوم، ویرایش اول، ۱۳۷.

می‌گیرد، مشمول تبصره مذکور نمی‌شود.^{۱۸} بدین ترتیب، جرایم جنسی، مفهوم مضیق‌تری از جرایم منافی عفت را دربرمی‌گیرند که مبتنی بر تماس فیزیکی و رابطه جنسی (نزدیکی) میان دو نفر در اشکال زنا، لواط و تفخیز است.

با کاربست این نظریه که بر تماس فیزیکی تأکید می‌کند، شمار زیادی از جرایم منافی عفت، مانند خلوت کردن با نامحرم، قوادی، دایر کردن مراکز فساد و فحشا، انتشار تصاویر مستهجن، تظاهر به فعل حرام، قذف، معاونت در جرایم جنسی و نظایر اینها از چهارچوب دادرسی اختصاری کنار گذاشته می‌شوند. در یکی از آرای قضایی دست دادن زن و مرد نامحرم از روی عادت بدون قصد التذاذ جنسی جرم محسوب نشده است. مطابق دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۲۱۱۸۰۱۰۰۷۹۱ مورخ ۱۳۹۴/۰۷/۲۷ شعبه ۱۱۶۱ دادگاه کیفری دو تهران: «عمل مصافحه متهمان نمی‌تواند عنوان رابطه نامشروع یا عمل منافی عفت داشته باشد؛ زیرا در عناوین تمثیلی ذکرشده در ماده ۶۳۷ کتاب پنجم تعزیرات قصد التذاذ جنسی نهفته است. این موضوع در مانحن‌فیه منتفی بوده، هرچند عمل مرتکبان از نظر فقهی حرام مسلم است؛ اما وفق ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی «تعزیر وقتی در محرمات شرعی اعمال می‌گردد که قانون آن را جرم‌انگاری کرده باشد» ... لذا دادگاه عمل ارتكابی متهمان را فاقد وصف جزایی دانسته و ... از اتهام انتسابی تبرئه می‌نماید.»^{۱۹}

بدین ترتیب، طرح شماری از اعمال منافی عفت در دادگاه و تعدادی دیگر در دادسرا موجب صدور قرارهای عدم صلاحیت شده است. صرف‌نظر از اینکه امکان صدور قرار عدم صلاحیت بین دادگاه و دادسرای آن وجود دارد یا خیر و اینکه در فرض اختلاف، مرجع رفع اختلاف کجاست، مفاد ماده ۳۰۶ ق.آ.د.ک که به‌نحو تمثیل فقط به پاره‌ای مصداق‌های جرایم منافی عفت اشاره می‌کند، به این نوع اختلاف صلاحیت‌ها دامن زده است.

۲-۲- عدول از اصل تفکیک نهادها و نقض بی‌طرفی

تفکیک مرحله تعقیب از مراحل تحقیق و محاکمه از اصول بدیهی نظام‌های دادرسی مختلط می‌باشد که به‌موجب آن، انجام تحقیقات مقدماتی تمامی جرایم برعهده مقام مستقلی به نام

۱۸. علی خالقی، نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۵)، ویرایش دوم، ۳۵۳.

۱۹. به نقل از: بهروز جوانمرد، «رویه‌های قضایی و نظریه‌های مشورتی پیرامون جرم رابطه نامشروع»، دوفصلنامه رویه قضایی (حقوقی کیفری) ۱ (۱۳۹۵)، ۴۱.

قاضی تحقیق است. مقام تعقیب یا دادستان باید از هرگونه مداخله در امر تحقیق خودداری کند و تنها پس از پایان تحقیقات از سوی بازپرس و با صدور کیفرخواست، رسیدگی به جرم را از دادگاه درخواست نماید. قانونگذار ایران، به‌رغم پذیرش نظام دادرسی مختلط، هیچ‌گاه به تفکیک مطلق مقام تعقیب از مقام تحقیق پایبند نبوده و از همان آغاز تدوین قانون آیین دادرسی کیفری، عدم‌پایبندی خود را به این اصل نشان داده و در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، موارد عدول از آن را توسعه بخشیده است.^{۲۰}

رسیدگی دادگاه به جرایم مهم و دارای مجازات‌های شدید، بدون انجام تحقیقات مقدماتی از سوی قاضی تحقیق مستقل، به‌سبب عدول اجتناب‌ناپذیر از اصل بی‌طرفی، به‌عنوان یکی از اصول راهبردی در ماده ۳ ق.آ.د.ک، عادلانه و منصفانه نیست. بی‌گمان، لازمه بی‌طرفی و پرهیز از جانبداری در امر تحقیق و دادرسی، استقلال قاضی تحقیق از قاضی تعقیب و محاکمه است. مداخله دادگاه در امر تحقیقات مقدماتی جرایم جنسی و تعریف نقش‌های گوناگون برای آن تا حدود قابل‌توجهی از بی‌طرفی او که هم‌زمان باید وظایف مقام تعقیب، تحقیق و محاکمه را ایفاء کند، می‌کاهد. فرایند انجام تحقیقات مقدماتی ناظر بر جرم‌های جنسی، باتوجه به اهمیت و حساسیت بالای این‌گونه جرایم، چنانچه در سریع‌ترین زمان ممکن و با دقت و ظرافت بالایی صورت نگیرد، تحصیل دلیل را در آینده دشوار می‌نماید؛ به‌ویژه اینکه قانونگذار، نظام ادله قانونی را بر این جرایم حاکم نموده است.

۲-۳- ابهام در عنوان شاکی خصوصی

جرایم منافی عفت/ جنسی، به‌رغم آنکه گذشت‌پذیر نیستند، اما وجود یا نبود شاکی و نقش او در این نوع جرایم نقش مهمی ایفاء می‌کند. یکی از جهات شروع به تعقیب این جرایم، به‌شرحی که در ماده ۱۰۲ ق.آ.د.ک موردتوجه قرار گرفته، شکایت شاکی است. در رابطه با مفهوم و موقعیت شاکی ابهام بسیار است. پرسش آن است که شاکی آیا همان بزه‌دیده مستقیم جرم است که قربانی تجاوز به عنف یا اکراه یا اغفال یا ربایش یا سوءاستفاده جنسی شده است؟ یا هر کسی که به‌نحوی از این جرایم متحمل ضرر و زیان شده، می‌تواند شاکی باشد؟ با پاسخ مثبت به پرسش اخیر، ممکن است اشخاص دیگری مانند زن و شوهر از همدیگر،

۲۰. برای آشنایی با اصل تفکیک مقام تعقیب از مقام تحقیق در حقوق ایران، نک: ابوالحسن شاکری و رضا

هادی‌زاده، «اصل تفکیک مقام تعقیب از مقام تحقیق در حقوق ایران»، پژوهشنامه حقوق کیفری ۱

(۱۳۹۵)، ۱۶۳-۱۴۱.

والدین از فرزندان، برادر از خواهر و همسایه‌ها از یکدیگر، مدعی ضرر و زیان معنوی یا حیثیتی ناشی از جرم شده و بدین‌سان طرح شکایت نمایند. ضابطه دقیق در این مورد در دست نیست. برخی بر این باورند، قاضی در هر مورد باید باتوجه به موضوع، مصداق شاکی خصوصی را تشخیص داده و در این راه نباید با توسعه قلمرو مصداق راه افراط در پیش بگیرد.^{۲۱}

با این حال، نبود ضابطه مشخص برای تشخیص شاکی، موجب اتخاذ رویه‌های گوناگونی شده است. برای نمونه، در دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۲۲۰۰۴۰۸ مورخ ۱۳۹۳/۰۴/۰۷ صادره از شعبه ۲۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران، هرچند دادگاه بدوی متهمان را به دلیل شکایت همسایه‌ها از زن و مردی که در راه‌پله با یکدیگر خلوت کرده بودند، به تحمل ۹۹ ضربه شلاق به دلیل ارتکاب رابطه نامشروع محکوم نموده بود، ولی شعبه مذکور با این استدلال که «دادگاه در مورد جرایم مشهود یا وجود شاکی خصوصی اجازه و اختیار انجام تحقیقات را دارد که در مانحن‌فیه اولاً، عمل منافی عفت مشهودی صدق نمی‌کند؛ و ثانیاً، شاکی خصوصی نیز وجود ندارد.» با نقض دادنامه بدوی، متهمان را تبرئه نموده و شکایت همسایه‌ها را نمی‌پذیرد. باتوجه به ماده ۱۴ ق.آ.د.ک، شاکی همان متضرر از جرم است که در جرایم منافی عفت به‌طور معمول قربانی ضررهای معنوی است. از این رو، شکایت زن و شوهر و بستگان درجه یک از طبقه اول، قابل استماع و رسیدگی می‌باشد. در این موارد، قضات باید به قدر متیقن اکتفاء نموده و شکایت سایر خویشاوندان و اشخاص ثالث علیه متهم را نادیده بگیرند. البته، مشکلات دیگری نیز قابل توجه‌اند؛ مانند آنکه آیا شاکی می‌تواند از یک نفر شکایت و از دیگری صرف‌نظر نماید؟ آیا در صورت اعلام رضایت شاکی یا زوال سمت وی (مانند طلاق) باید پرونده مختومه گردد؟^{۲۲} به نظر می‌رسد، شاکی می‌تواند بین طرفین تفکیک نموده و رضایت یا گذشت خود را نسبت به هر یک از متهمان اعلام کند، ولی مختومه شدن پرونده در جرایم غیرقابل گذشت در اختیار وی نبوده و مرجع قضایی مکلف به ادامه تحقیق و رسیدگی است. به موجب دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۳۱۰۰۲۶۴ مورخ ۱۳۹۲/۰۳/۰۸ صادره از شعبه ۳۱ دادگاه تجدیدنظر استان تهران، رضایت شاکی در رابطه نامشروع تنها از موجبات تخفیف مجازات تعزیری می‌باشد. وانگهی، صدور گواهی عدم امکان سازش یا طلاق موجب

۲۱. محمدرضا حدادزاده نیری، «تحقیق در جرایم منافی عفت»، مجله حقوقی دادگستری ۶۷ (۱۳۸۸)، ۱۲۵-۱۲۳.

۲۲. مهدی آقایی، رسیدگی به جرایم منافی عفت (تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه، ۱۳۹۷)، چاپ اول، ۴۵.

زوال سمت شاکی نمی‌شود که در زمان وقوع جرم، متحمل زیان شده و به‌جهت ضرر معنوی حقی به‌دست آورده است.

۳- رویه قضایی

رویه قضایی حاکم بر دادگاه‌ها، آن‌سان که گفته شد، در رسیدگی مستقیم به جرایم منافی عفت با چالش‌های گوناگونی روبه‌رو شده که مشکلات زیادی برای بزه‌دیدگان جرایم جنسی به همراه داشته است؛ امری که سیاست‌گذاری قانونگذار را در دادرسی مستقیم این نوع جرایم زیر سؤال می‌برد. بررسی پرونده‌های مربوطه در دادگاه‌ها که خلاصه دو نمونه از آنها مطرح می‌شود، تصویر ناخوشایندی از شرایط بزه‌دیدگان ارائه می‌نماید. دسترسی به این آراء از رهگذر منابع متعدد، به‌ویژه کتاب‌های مربوط به این حوزه و حتی سامانه داده آراء متعلق به پژوهشگاه قوه قضائیه^{۲۳} امکان‌پذیر است، اما در این مورد خاص، به‌جهت موقعیت شغلی احد از نویسندگان که از قضات دادگستری استان همدان است، به‌صورت واقعی و در جریان رسیدگی به پرونده‌ها هموار شده و به‌عنوان شاهد مثال آمده است.

۳-۱- مشکلات تفکیک اتهام‌های آدم‌ربایی و تجاوز به عنف

در پرونده کلاسه ۹۷۰۹۹۸۸۱۱۷۰۰۰۲۶ در شعبه یک دادگاه کیفری یک همدان، خانم (الف) در تاریخ ۱۳۹۷/۰۷/۱۱ شکایتی علیه راننده خودروی سواری پژو دایر بر آدم‌ربایی و تجاوز به این شرح مطرح نموده است: «اینجانب در مورخه ۱۳۹۷/۰۷/۱۰ روز سه‌شنبه رأس ساعت ۱۴ درحالی‌که تازه از شهرستان به همدان آمده بودم و در ابتدای بلوار خواجه رشید نرسیده به پل هوایی منتظر تاکسی بودم. راننده خودرو با مشخصات فوق‌الذکر به‌عنوان مسافر من را سوار و از طریق اغفال و فریب به داخل منزلی برده و با زور اقدام به عریان نمودن اینجانب، تجاوز و مرتکب زنا گردید؛ لذا ضمن شکایت از وی تقاضای رسیدگی و مجازات نامبرده را دارم.» در رابطه با شکایت مذکور، نخستین دستور بدین‌شرح صادر شده است: «دفتر بدل پرونده جهت رسیدگی به موضوع آدم‌ربایی به دادرسی همدان فوراً ارسال شود، سپس پرونده به‌نظر برسد.» و در ادامه نیز چنین دستوری صادر شده است: «دفتر وقت احتیاطی تعیین و شاکی جهت اخذ توضیح و بیان مشروح شکایتش و ارائه دلایل و مدارک و مستندات ظرف یک هفته از تاریخ ابلاغ احضار شود و به‌محض حضور شاکی و ابلاغ به وی

۲۳. بانک داده آرای قوه قضائیه، <http://j.ijri.ir/SubSystems/Jpri2/Search.aspx>

و انقضای مهلت حضور مجدداً پرونده به نظر برسد.»

پارهای از مشکلاتی که شاکی که در این پرونده بزه‌دیده واقعی جرم است و گاه نیز متهم در ادامه رسیدگی به این اتهامات با آن روبه‌رو می‌شود، در چند محور قابل بررسی هستند: نخست، شاکی باید مشروح شکایت و ادله و گواهان خود را هم‌زمان در دو مرجع تحقیق حاضر نماید و بر همین مبنا، متهم نیز باید درمقابل دو مرجع پاسخگو باشد؛ دوم، در صورت توجه اتهام به متهم، باید در دادسرا و دادگاه کیفری یک حاضر شده و برای وی دو قرار تأمین کیفری صادر گردد؛

سوم، اگر دادسرا در مورد اتهام آدم‌ربایی قرار منع تعقیب صادر کند، ولی دادگاه کیفری یک متهم را به اتهام تجاوز به عنف محکوم نماید، با دو رأی معارض مواجه هستیم که هم‌زمان به اعتراض شاکی و متهم دامن می‌زند، زیرا احتمال دارد در متن رأی دادگاه در مورد تجاوز به عنف، اشاره به آدم‌ربایی گردد و در ادامه متهم حسب قرار دادسرا از اتهام آدم‌ربایی برائت حاصل کند که این تناقض به‌نوعی اعتبار تصمیم‌های قضایی را خدشه‌دار می‌سازد؛

چهارم، اگر دادگاه متهم را به مجازات تعزیری عمل منافی عفت محکوم نماید و سپس پرونده آدم‌ربایی با کیفرخواست واصل و متهم دوباره محکوم شود، به درخواست متهم لاجرم برای مرتبه سوم مطابق ماده ۵۱۰ ق.آ.د.ک، هر دو رأی باید نقض شده و رأی اصلاحی واحدی صادر گردد که این امر به‌نوعی به اطلاع دادرسی می‌انجامد.

پُر واضح است، رسیدگی توأمان به اتهام‌های مذکور در دادسرا و دادگاه مشکلات مزبور را در پی نداشته و شاکی و متهم در یک مرجع مورد تحقیق قرار می‌گرفتند و یک قرار تأمین کیفری صادر می‌شد و دادگاه کیفری نیز رأی واحدی صادر می‌نمود و از اطلاع دادرسی و خستگی شاکی و متهم و حتی شهود و مطلعان جلوگیری می‌شد. کشاندن قربانیان به مراجع مختلف و الزام آنها به طرح شکایت‌های گوناگون و تمهید ادله در دو مرجع (دادسرا و دادگاه)، نه تنها اهداف قانونگذار را در دادرسی مستقیم تأمین نمی‌کند، بلکه در عمل به پدیده بزه‌دیدگی ثانوی و ایجاد بدبینی و بی‌اعتمادی نسبت به دستگاه قضایی دامن می‌زند.

۳-۲- مشکلات تفکیک اتهام‌های آدم‌ربایی، تجاوز به عنف و تهیه فیلم

مستهجن

در پرونده کلاسه ۹۸۰۹۹۸۸۱۲۴۶۰۰۲۶۶ در شعبه دوم بازپرسی دادرسی عمومی و انقلاب شهرستان کبودرآهنگ، فردی به نام خانم (الف) شکایتی در تاریخ ۱۳۹۸/۰۴/۰۱ علیه آقای

(ب) دایر بر تجاوز به عنف و تهیه فیلم و عکس به قصد وسیله تهدید قرار دادن به منظور سوءاستفاده جنسی و آدم‌ربایی و توقیف غیرقانونی مطرح می‌نماید. پس از انجام تحقیقات، دادسرا مطابق قرار نهایی شماره ۹۸۰۹۹۷۸۱۲۴۶۰۰۳۴۳ مورخ ۱۳۹۸/۰۴/۱۸، درخصوص اتهام زنا به عنف قرار عدم‌صلاحیت به شایستگی دادگاه کیفری یک همدان و درمورد اتهام تهیه فیلم و عکس مستهجن به قصد انتشار و تهدید قرار جلب به دادرسی به صلاحیت دادگاه انقلاب و در رابطه با اتهامات آدم‌ربایی و توقیف غیرقانونی، قرار منع تعقیب صادر می‌کند. سپس دادگاه انقلاب مطابق دادنامه شماره ۹۸۰۹۹۷۸۱۲۳۸۰۰۱۵۳ مورخ ۱۳۹۸/۰۵/۱۳، متهم را بابت ارتکاب بزه تهیه فیلم و عکس مستهجن به قصد تهدید، به تحمل سه سال حبس تعزیری و هفتادوچهار ضربه شلاق تعزیری و ده سال محرومیت از حقوق اجتماعی محکوم می‌کند که با اسقاط حق تجدیدنظرخواهی توسط متهم و قطعیت دادنامه به اجرای احکام کیفری ارسال شده است. همچنین، شاکی نسبت به قرار منع تعقیب صادره نیز اعتراض می‌کند که دادگاه کیفری دو حسب دادنامه شماره ۹۸۰۹۹۷۸۱۲۳۵۰۰۸۲۸ مورخ ۱۳۹۸/۰۶/۰۴ ضمن رد اعتراض، قرار صادره را تأیید می‌کند.

بدین ترتیب، شکایت شاکی در چهار مرجع (دادسرا، دادگاه انقلاب، دادگاه کیفری دو و دادگاه کیفری یک) موردبررسی قرار گرفته و برای یک شکایت سه رأی جداگانه باید صادر شود. هرچند اتهام زنا به عنف به طور مستقیم به دادگاه کیفری یک ارسال شده است، ولی بررسی شکایت درخصوص تهیه فیلم مستهجن و آدم‌ربایی و توقیف غیرقانونی، مستلزم اخذ شکایت شاکی و توضیح اتفاقات رُخ داده و ملاحظه فیلم اخذشده می‌باشد. ارسال پرونده به دادگاه کیفری یک فقط باعث اطاله دادرسی شده و به رغم قطعیت دادنامه در دادگاه انقلاب، هنوز رأی دادگاه کیفری یک صادر نشده و این دادگاه منتظر تعیین تکلیف سایر پرونده‌های متهم بوده است. چنانچه دادگاه کیفری یک متهم را به دلیل ارتکاب عمل جنسی با عنف و اکراه به تحمل شلاق تعزیری درجه شش محکوم نماید، باتوجه به محکومیت وی در دادگاه انقلاب، باید هر دو پرونده در راستای اعمال ماده ۵۱۰ ق.آ.د.ک، جمع و به دیوان عالی کشور ارسال شده تا دیوان ضمن نقض هر دو رأی، پرونده‌ها را جهت صدور حکم اصلاحی برابر مقررات تعدد به دادگاه کیفری یک ارسال نماید. صلاحیت دادگاه انقلاب درخصوص تهیه فیلم مستهجن نیز چالش دیگری است که برای رفع آن باید صلاحیت دادگاه‌های انقلاب محدود شده و بین دادگاه‌های کیفری یک و دو تقسیم شود تا از صدور آرای متعدد و اعمال مکرر ماده ۵۱۰ ق.آ.د.ک جلوگیری گردد.

در شرایط مذکور، چنانچه دادگاه کیفری دو، اعتراض شاکی به قرار منع تعقیب را بپذیرد، قرار جلب به دادرسی متهم را صادر و سپس پرونده در راستای ماده ۲۷۶ ق.آ.د.ک به دادسرا ارسال می‌گردد تا پس از تفهیم اتهام، دوباره پرونده برای صدور رأی برای مرتبه چهارم بابت آدم‌ربایی و توقیف غیرقانونی به دادگاه کیفری یک ارسال شود که لاجرم به مشکلات بعدی، مانند صدور حکم اصلاحی در چهارچوب شرایط ماده ۵۱۰ ق.آ.د.ک، می‌انجامد. از منظری دیگر، رأی دادگاه کیفری دو در تأیید قرار منع تعقیب درخصوص آدم‌ربایی، باتوجه به مجازات آن که در زمان رسیدگی به پرونده مربوطه، تعزیر درجه سه^{۲۴} است، با اعتراض شاکی قابل فرجام در دیوان عالی کشور است که نقض آن در دیوان، مشکلات قبلی را در پی دارد.

این شیوه رسیدگی به پرونده تجاوز به عنف و الزام بزه‌دیده به طرح شکایت در مراجع مختلف و طی مسافت‌های طولانی برای پیگیری شکایات - که در این شرایط به حمایت‌های قضایی، روان‌شناختی و خدمات مددکاری و توانبخشی نیاز دارد - باتوجه به اینکه دادگاه کیفری یک و دادگاه انقلاب به‌طور معمول در مرکز استان تشکیل می‌شوند، مطلوب نبوده و مشکلات زیادی در پی دارد که از لابه‌لای متون قانونی قابل تشخیص نبوده و فقط در عمل و با بررسی پرونده‌ها آشکار می‌شود. بی‌گمان، اگر دادسرا به تمامی اتهامات هم‌زمان رسیدگی و اظهار نظر می‌کرد، بسیاری از مشکلات حادث نمی‌شد. از این گذشته، تفکیک رسیدگی در جرایم مذکور، شاکی و قضات را در مشقت بسیار زیادی برای انجام تحقیقات و جمع‌آوری پرونده قرار می‌دهد و مدت زمان زیادی صرف موارد شکلی رسیدگی می‌شود که این زمان طلایی باید صرف رسیدگی به ماهیت موضوع گردد. اطاله دادرسی و رسیدگی‌های موازی در دو مرجع و طی طریق از شهرستان تا مرکز استان، در مجموع شرایط مطلوبی را برای بزه‌دیده‌ای که به دنبال احقاق حق و اجرای عدالت است، به تصویر نمی‌کشد و به احساس بزه‌دیدگی او دامن می‌زند.

تجربه‌های قضایی نشان می‌دهد با اختصاری‌سازی و حذف دادسرا از فرایند تحقیقات نه‌تنها رسیدگی کوتاه نشده، بلکه یک مرحله نیز بدان افزوده است. حتی در صورت اعتقاد به لزوم بزه‌پوشی توسط شاکی به جهت حفظ آبرو و کرامت نفس انسان‌ها، قاعده تقدم اهم بر مهم ایجاب می‌کند نحوه رسیدگی به جرایم جنسی مستثنی نشود؛ بنابراین، در سیاست جنایی

۲۴. البته، با تصویب و لازم‌الاجرا شدن قانون کاهش مجازات حبس تعزیری در تیر ماه ۱۳۹۹، مجازات آدم‌ربایی در صورت وجود عنف و تهدید، حبس درجه چهار (بیش از پنج تا ده سال) و در غیر این صورت، حبس درجه پنج (بیش از دو تا ده سال) خواهد بود.

اسلام، همان‌طور که بر اصل بزه‌پوشی تأکید فراوان شده، بر اصل حمایت از بزه‌دیده و جبران تألمات روحی و خسارات مادی نیز اشارات زیادی شده و هرگاه اصل بزه‌پوشی با اصل حمایت از بزه‌دیده تراحم کند، بنابر قاعده، امری که فسادش بیشتر است، به‌وسیله امری که فسادش کمتر بوده دفع می‌شود و نتیجه آن برداشته شدن حرمت تجسس و ستر است.^{۲۵} ازاین‌رو، تأکید بر اختصاری کردن با توجیه بزه‌پوشی چندان قابل‌دفاع نیست. وانگهی، تجربه رسیدگی به این جرایم نیز در دادگاه‌های بین‌المللی کیفری، صرف‌نظر از نتایج عملی آن^{۲۶}، به‌صورت دومرحله‌ای و بدون حذف فرایند دادرسی، همراه با صدور کیفرخواست و رسیدگی به شواهد و دلایل دادستان مربوطه انجام می‌شود.

۴- تحلیل آماری

برای شناخت دقیق مشکلات سیاست‌گذاری تقنینی در جرایم جنسی در پرتو سیاست جنایی قضایی، روش تحقیق پیمایشی اجتناب‌ناپذیر است. در این رابطه، اقدام به توزیع پرسش‌نامه میان ۱۰۰ نفر از قضات دادگاه‌های کیفری استان همدان شده که از این بین، ۷۱ مورد با تنظیم پرسش‌نامه آن را برگشت داده‌اند. قضات، از آنجایی که نخستین مخاطبان قانون و دریافت‌کنندگان سیاست جنایی تقنینی هستند، بیش از سایر گروه‌ها با آثار، چالش‌ها و موانع اجرایی قانون درگیر بوده و ازاین‌رو، داوران مناسب و مهمی برای ارزیابی طرح می‌باشند. متأسفانه، در بیشتر پژوهش‌های حقوقی و جنایی نسبت به علم آمار و داده‌های آماری، بی‌مهری شده و به آن توجه نمی‌شود. استفاده از آمار می‌تواند برای کاربردی‌تر کردن پژوهش، توسعه و تعمیم آن به قوانین فعلی کارآمد باشد، زیرا با این کار از آزمون و خطا اجتناب شده و این نتیجه آشکار می‌شود که راهکار پیشنهادی در صورت اجرا با چه درصدی از مقبولیت همراه خواهد شد.

این قسمت شامل دو بخش آمار توصیفی و آمار تحلیلی یا استنباطی است که در بخش نخست، ویژگی‌های دموگرافیک و نیز متغیرهای مرتبط با فرضیات تحقیق و در قالب

۲۵. مهدی شیدائیان و زینب شیدائیان، «رویکرد قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ به جرایم منافی عفت»، *مجله حقوقی دادگستری* ۱۰۱ (۱۳۹۷)، ۱۲۳.

۲۶. برای اطلاع از مروری انتقادی از رویه دادگاه‌های بین‌المللی کیفری در مواجهه با جرایم جنسی علیه کودک‌سربازان دختر، به‌ویژه از جهت تمهید دلایل و تنظیم ناقص کیفرخواست، نک: صالحی، پیشین، ۲۷ و بعد.

جدول‌ها و نمودارهای آمار توصیفی ارائه گردیده است. در بخش آمار تحلیلی از آزمون‌های کولموگوروف-اسمیرنوف، T تک‌نمونه‌ای، فریدمن، خی‌دو و آزمون اتا استفاده می‌شود. برای تجزیه و تحلیل داده‌های استخراج‌شده نیز از نرم‌افزار آماری SPSS نسخه ۲۵ بهره‌برداری گردیده است. نتایج حاصله در قالب جداول تحلیلی و نمودار به تصویر کشیده شده‌اند.

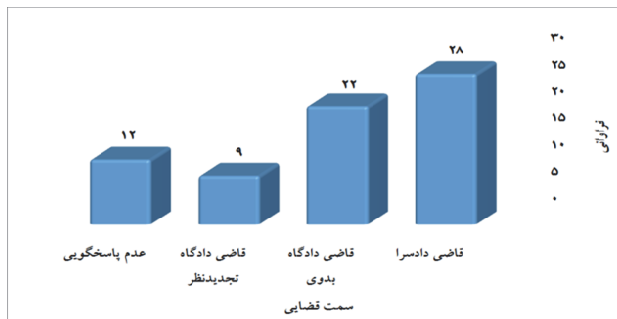
۴-۱- آمار توصیفی

جدول شماره ۱، توزیع فراوانی شرکت‌کنندگان را بر اساس سمت قضایی نشان می‌دهد. در راستای نیل به اهداف پژوهش و درک مناسبی از موضوع، تلاش شده که سمت و رتبه قضات متفاوت بوده و تنها به یک سمت یا مرجع مشخص اکتفاء نشود.

جدول ۱: توزیع فراوانی شرکت‌کنندگان بر اساس سمت قضایی

سمت قضایی	فراوانی	درصد
قاضی دادسرا	۲۸	۳۹/۴
قاضی دادگاه بدوی	۲۲	۳۱
قاضی دادگاه تجدیدنظر	۹	۱۲/۷
عدم پاسخگویی	۱۲	۱۶/۹
مجموع	۷۱	۱۰۰

از جدول بالا می‌توان نتیجه گرفت که از بین ۷۱ نفر شرکت‌کننده در پژوهش حاضر، ۱۲ نفر (۱۶/۹٪) به این سؤال پاسخ نداده‌اند و از مابقی افراد پاسخگو به این سؤال، ۳۹/۴٪ قاضی دادسرا، ۳۱٪ قاضی دادگاه بدوی و ۱۲/۷٪ قاضی دادگاه تجدیدنظر بودند.



نمودار ۱: نمودار ستونی توزیع فراوانی شرکت‌کنندگان بر اساس سمت قضایی

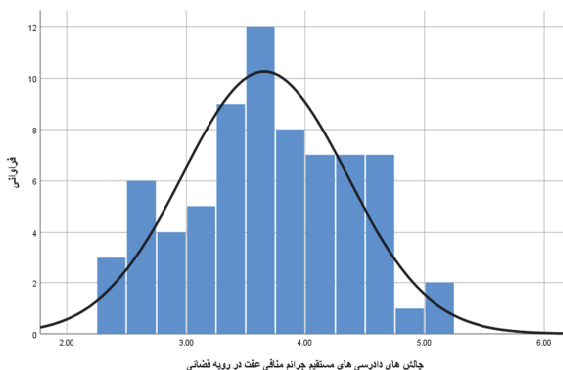
جدول شماره ۲، اطلاعات آماری مربوط به میزان چالش‌های دادرسی مستقیم جرایم

منافی عفت در رویه قضایی را از منظر قضات نشان می‌دهد.

جدول ۲: اطلاعات آماری چالش‌های دادرسی مستقیم جرایم منافی عفت در رویه قضایی

متغیر	میانگین	درصد	میان	مد	انحراف معیار	واریانس
چالش‌های دادرسی مستقیم جرایم منافی عفت در رویه قضایی	۳/۶۵	۷۳	۳/۶۲	۳/۵۶	۰/۶۸۹	۰/۴۷۵

جدول شماره ۲ گویای این مطلب است که میزان چالش‌های دادرسی مستقیم جرایم منافی عفت در رویه قضایی از منظر قضات حدود ۷۳٪ می‌باشد. همچنین به ترتیب میانگین و بیشترین نمره کسب‌شده در این خصوص ۳/۶۵ و ۳/۵۶ و میزان انحراف معیار مربوط به چالش‌های دادرسی مستقیم جرایم منافی عفت در رویه قضایی تقریباً ۰/۶۸۹ است.^{۳۷} نشانگر درصد بالای چالش‌ها در میان قضات، نشان می‌دهد که اهداف قانونگذار در تسریع در دادرسی و حمایت از بزه‌دیده و نیز جلوگیری از برچسب‌زنی به شکست انجامیده است. نه تنها این اهداف برآورده نشده، بل مشکلات زیادی نیز پیش روی کنشگران عدالت کیفری و نیز طرفین درگیر در پرونده قرار داده شده است. در واقع، سیاست جنایی قضایی دریافت مطلوب و معقولی سیاست جنایی تقنینی نداشته و همین امر، به ایستایی و گرفتگی سیاست‌گذاری‌ها در عرصه عمل انجامیده و کارآمدی آن را به چالش کشیده است.



نمودار ۲: نمودار هیستوگرام متغیر چالش‌های دادرسی مستقیم جرایم منافی عفت در رویه قضایی

^{۳۷} توضیح مفاهیم ذکرشده در این قسمت از قبیل میان، مد، انحراف معیار، واریانس و سطح معناداری در پژوهش صورت‌گرفته بسیار مفصل و نیازمند دانش آماری مخاطبین است و محدودیت سطور این مقاله اجازه توضیح و بررسی همه این مفاهیم را نمی‌دهد و در این مقاله فقط تعدادی از اطلاعات و نتایج استخراج‌شده از پژوهش میدانی ذکر شده است.

جدول شماره ۳، اطلاعات آماری مربوط به میزان رویه‌های قضایی درخصوص رسیدگی به جرایم منافی عفت را از منظر قضات نشان می‌دهد.

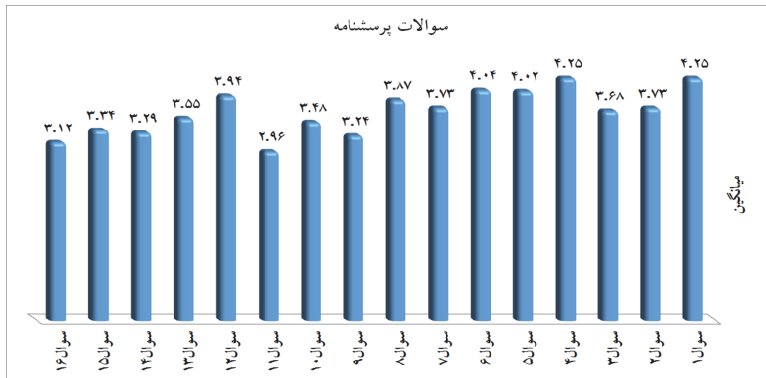
جدول ۳: اطلاعات آماری میزان رویه‌های قضایی درخصوص رسیدگی به جرایم منافی عفت

سؤال‌های پرسش‌نامه	ردیف	تعداد	درصد	میانگین	واریانس
۱. در عمل بیشتر پرونده‌های منافی عفت با شکایت شاکی شروع می‌شوند نه تعقیب دادستان.	۴/۲۵	۸۵	۴	۵	۰/۸۷۸
۲. رسیدگی به شکایت شاکی هم‌زمان با هم در دادسرا و دادگاه موجب اطاله دادرسی می‌گردد.	۳/۷۳	۷۴/۶	۴	۴	۱/۵۴۷
۳. رسیدگی به شکایت شاکی هم‌زمان در دادسرا و دادگاه عملاً موجب نارضایتی شاکیان شده است.	۳/۶۸	۷۳/۶	۴	۴	۱/۵۸۴
۴. شهود، شاکی یا متهم تمایل ندارند دو مرتبه به دادگستری (دادسرا و دادگاه) مراجعه و موردتحقیق قرار بگیرند.	۴/۲۵	۸۵	۵	۵	۱/۱۰۲
۵. صدور دو قرار تأمین کیفری در دادسرا و دادگاه موجب نارضایتی متهم و احتمال بازداشت وی شده است.	۴/۰۲	۸۰/۴	۴	۴	۱/۰۷۷
۶. بُعد مسافت دادگاه‌های کیفری یک از محل وقوع جرم موجب دشواری جمع‌آوری ادله اثبات جرم می‌گردد.	۴/۰۴	۸۰/۸	۴	۵	۱/۴۱۲
۷. تشخیص مصداق‌های جرم منافی عفت موجب اختلاف صلاحیت‌های مکرر بین دادگاه‌ها و دادسرا شده است.	۳/۷۳	۷۴/۶	۴	۵	۱/۸۸۶
۸. کسی که موردتعرض جنسی قرار گرفته و برای رفع ظلم به وی شده به دادگاه مراجعه می‌کند نباید به بزه‌پوشی و انصراف از شکایت ترغیب گردد.	۳/۸۷	۷۷/۴	۴	۴	۱/۳۱۲
۹. تحقیق توأمان جرایم منافی عفت با سایر جرایم در دادسرا منافاتی با اصل پوشش اسلامی ندارد.	۳/۲۴	۶۴/۸	۴	۴	۲/۰۴۲
۱۰. قضات دادگاه‌ها تمایلی برای انجام تحقیقات مقدماتی جرایم منافی عفت ندارند.	۳/۴۸	۶۹/۶	۴	۴	۱/۷۸۱
۱۱. دادرسی مستقیم (بدون کیفرخواست) درخصوص جرایم منافی عفت کارایی ندارد.	۲/۹۶	۵۹/۲	۲/۶۲	۲	۱/۹۷۴

۱۲.	رفت‌وآمدهای طولانی و اطلاع دادرسی و عدم‌رسیدگی منسجم به پرونده و رسیدگی دو مرجع	۳/۹۴	۷۸/۸	۴	۴	۱/۰۹۴	۱/۱۹۷
	در عرض یکدیگر، موجب خستگی شاکیان و علی-رغم میل باطنی آنان موجب اعلام رضایت قبل از صدور رأی می‌گردد.						
۱۳.	آیین دادرسی کیفری فعلی درخصوص رسیدگی به جرایم منافی عفت منطقی و کارآمد نیست.	۳/۵۵	۷۱	۴	۴	۱/۲۳۵	۱/۵۲۴
۱۴.	برگشت به نحوه رسیدگی مطابق اصل تفکیک مقام تعقیب از تحقیق موجب برطرف شدن چالش‌ها می‌گردد.	۳/۲۹	۶۵/۸	۴	۴	۱/۲۴۸	۱/۵۵۷
۱۵.	برای حل چالش‌ها، «چنانچه جرم منافی عفت همراه با سایر جرایم توسط مرتکب صورت گرفت دادسرا به تمامی اتهام‌ها یکجا رسیدگی نماید و با صدور کیفرخواست پرونده را به دادگاه صالح ارسال نماید.»	۳/۳۴	۶۶/۸	۴	۴	۱/۴۵۴	۲/۱۱۳

جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که در بین سؤال‌های مربوط به رویه قضایی درخصوص رسیدگی به جرایم منافی عفت، بیشترین میانگین به‌طور مشترک با ۴/۲۵ مربوط به سؤال‌های اول و چهارم: «در عمل بیشتر پرونده‌های منافی عفت با شکایت شاکی نه تعقیب دادستان شروع می‌شوند» و «شهود، شاکی یا متهم تمایل ندارند دو مرتبه به دادگستری (دادسرا و دادگاه) مراجعه و موردتحقیق قرار بگیرند»، بوده است. درصد بالای میانگین نشان می‌دهد که سیاست بزه‌پوشی باتوجه‌به فراوانی شکایت شاکی، محملی نداشته و بدین‌سان، تجویز دادرسی مستقیم در این مورد فاقد توجیه بوده و به‌لحاظ شرعی این سیاست، آن‌سان که گفته شد، در جایی کاربرد دارد که جرم بدون شکایت شاکی و اعلام مقام تعقیب به جریان افتد، حال آنکه داده‌های آماری از چیز دیگری پرده برمی‌دارند. افزون بر این، الزام شهود به طرح شهادت در مراجع گوناگون، به‌جهت تداخل این نوع جرایم با دیگر جرایم تعزیری، مانند آدم‌ربایی و توقیف غیرقانونی که باید طبق معمول در دادسرا مطرح گردند، با سیاست حمایت از شهود و مطلعان و حتی حمایت از بزه‌دیده که باید به انحاء گوناگون، ازجمله پرداخت هزینه‌های شاهد و اصرار و التماس به آنها برای ادای شهادت در دو مرجع دادسرا و دادگاه، سازگاری ندارد. همچنین، کمترین میانگین با ۲/۹۶ مربوط به سؤال ۱۱ یا همان «دادرسی مستقیم (بدون کیفرخواست) درخصوص جرایم منافی عفت کارایی نداشته» است. از طرفی

کمترین و بیشترین میزان پراکندگی سؤالات به‌ترتیب مربوط به سؤالات ۱ و ۱۵ می‌باشد.



نمودار ۳: نمودار ستونی میانگین میزان رویه‌های قضایی درخصوص رسیدگی به جرایم منافی عفت

برای هر پرسش‌نامه ۱۵ سؤال پیش‌بینی شده بود که مخاطب جواب هر سؤال را با پنج عبارت‌های «کاملاً مخالفم (۱)، مخالفم (۲)، نظری ندارم (۳)، موافقم (۴) و کاملاً موافقم (۵)» علامت می‌زد و از ۷۱ نفری که پاسخ داده بودند، به‌عنوان مثال درخصوص سؤال ۱۵ که نتیجه تحقیق است، ۶۶/۸ درصد با راهکار ارائه‌شده موافق بوده‌اند و انحراف معیار آن، یعنی میزان پراکندگی پاسخ‌های داده‌شده از نقطه میانگین ۱/۴۵۴ و واریانس آن که مجذور انحراف معیار بوده و نوعی شاخص برای محاسبه میزان پراکندگی است، ۲/۱۱۳ می‌باشد. میانه نیز ۴ بوده که به مفهوم عدد وسط مجموعه‌ای از اعداد مرتب‌شده بر اساس مقدار آنهاست و مد نیز ۵ بوده که به مفهوم بیشترین فراوانی در پاسخ داده شده است. در مجموع، نتایج داده‌ها، مبانی سیاست‌گذاری تقنینی در تأکید بر دادرسی مستقیم را به چالش می‌کشد و بر ضرورت بازنگری در این سیاست صحه می‌گذارد.

۴-۲- آمار استنباطی

پیش از بررسی فرضیه‌های پژوهش لازم است، نرمال بودن متغیر چالش‌های دادرسی مستقیم جرایم منافی عفت در رویه قضایی با آزمون کولموگروف - اسمیرنوف که بدون هیچ پیش‌فرضی صورت گرفته است، موردآزمایی قرار گیرد. جدول شماره ۴ به بررسی نرمال بودن متغیر تحقیق می‌پردازد.

فرض H_0 : توزیع متغیر پژوهش نرمال هستند. فرض H_1 : توزیع متغیر پژوهش نرمال نیستند.

جدول ۴: بررسی نرمال بودن متغیر پژوهش

متغیرها	آماره Z	سطح معناداری
چالش‌های دادرسی مستقیم جرایم منافی عفت در رویه قضایی	۰/۰۷۶	۰/۲

باتوجه به جدول فوق می‌توان نتیجه گرفت که سطح معناداری متغیر چالش‌های دادرسی مستقیم جرایم منافی عفت در رویه قضایی بیشتر از ۰/۰۵ می‌باشد. لذا فرض H_0 تأیید و فرض H_1 رد می‌گردد و داده‌های متغیر فوق نرمال هستند؛ بنابراین نرمال بودن متغیر مذکور استفاده کردن از آزمون‌های پارامتریک را جهت استنباط فرضیه‌های پژوهش توجیه می‌نماید.

۴-۳- فرضیه پژوهش

به نظر می‌رسد چالش‌های دادرسی مستقیم جرایم منافی عفت در رویه قضایی در سطح بالایی است.

فرض H_0 : به نظر می‌رسد چالش‌های دادرسی مستقیم جرایم منافی عفت در رویه قضایی در سطح بالایی نیست. $H_0: \mu \geq 3$

فرض H_1 : به نظر می‌رسد چالش‌های دادرسی مستقیم جرایم منافی عفت در رویه قضایی در سطح بالایی است. $H_1: \mu < 3$

جهت بررسی فرضیه فوق از آزمون پارامتریک T تک‌نمونه‌ای استفاده می‌گردد. به این علت از این آزمون استفاده می‌شود که متغیر پژوهش (چالش‌های دادرسی مستقیم جرایم منافی عفت در رویه قضایی) دارای مقیاس کمی است و نیز از توزیع نرمال تبعیت می‌کند و هم اینکه میانگین نمونه مورد مطالعه با یک مقدار از پیش تعیین شده (حد استاندارد) مقایسه می‌شود.^{۲۸} در استفاده از این آزمون باید توجه شود که مقیاس اندازه‌گیری فاصله‌ای یا نسبی و توزیع داده‌ها نرمال باشند. جدول شماره ۵ شاخص‌های توصیفی مربوط به فرضیه پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۵: شاخص‌های توصیفی فرضیه پژوهش

میانگین	انحراف استاندارد	میانگین خطای استاندارد
۳/۶۵	۰/۶۸۹	۰/۰۸۱

۲۸. منصور مؤمنی، تجزیه و تحلیل آماری با نرم‌افزار SPSS (تهران: نشر کتاب نو، ۱۳۹۶)، چاپ سوم، ۶۷.

جدول شماره ۵ نشان می‌دهد که میانگین چالش‌های دادرسی مستقیم جرایم منافی عفت در رویه قضایی حدود ۳/۶۵ می‌باشد و همچنین این میانگین بیشتر از مقدار استاندارد (مقدار ارزشی=۳) است. همچنین جدول شماره ۶ به بررسی فرضیه پژوهش می‌پردازد.

جدول ۶: بررسی فرضیه پژوهش

ارزش تست	آماره T	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین	نتیجه
۳	۸/۰۳۲	۷۰	۰/۰۰۱	۰/۶۵۷	تأیید H_1

همان‌طور که پیداست، سطح معناداری به‌دست‌آمده از مقدار آماره T بسیار کوچک‌تر از ۰/۰۵ می‌باشد که نشان می‌دهد با سطح اطمینان ۹۵٪ تفاوت معناداری بین مقدار ارزشی (حد استاندارد) با میانگین جامعه وجود دارد. از طرفی باتوجه‌به اینکه میانگین نمونه موردبررسی در جدول شماره ۵ بیشتر از نمره ارزشی می‌باشد (تفاوت میانگین=۰/۶۵۷)، بنابراین «به‌نظر می‌رسد چالش‌های دادرسی مستقیم جرایم منافی عفت در رویه قضایی در سطح بالایی قرار دارد.» پس فرضیه پژوهش، مبنی بر ناکارآمدی دادرسی مستقیم/ اختصاری در رابطه با موضوع و اهداف بزه‌پوشی و حل‌وفصل سریع این نوع جرایم، تأیید و فرضیه صفر رد می‌گردد.

نتیجه

سیاست جنایی اسلام در قبال جرایم جنسی، آیین دادرسی ویژه یا افتراق‌گونه‌ای نداشته و نظام حاکم بر رسیدگی به این نوع جرایم، غیر از ویژگی‌های مربوط به اثبات جرم و سخت‌گیری در شرایط اثباتی، متمایز از دیگر جرم‌ها نیست. هرچند در قضاوت‌های منقول از پیامبر و امامان، به‌ویژه حضرت علی (ع)، مرتکب عمل شنیع در بادی امر، به بزه‌پوشی و عدم‌اقرار و توبه واقعی توصیه شده است، اما درخصوص طرح شکایت و بیان جزئیات توسط بزه‌دیده جنسی منعی وجود نداشته و در این مورد به رسیدگی سریع و دقیق‌تر تأکید شده است. با بررسی دیدگاه‌های فقها و واکاوی فلسفه بزه‌پوشی در جرایم منافی عفت، برداشت نادرست قانونگذار در این مورد، دست‌کم از جنبه شکلی که رسیدگی اختصاری را برای این نوع جرایم برگزیده است، آشکار می‌شود، زیرا این شیوه رسیدگی در جرایم کم‌اهمیت که تحقیقات مفصلی ندارند، به‌منظور پرهیز از اطاله دادرسی و صرفه اقتصادی و عدول از سازکارهای پیچیده و نیز جرایم اطفال و نوجوانان برای حمایت بیشتر از آنان صورت می‌پذیرد.

قانونگذار ایران با برداشتی اشتباه از مقررات اسلامی در ماده ۳۰۶ ق.آ.د.ک با تجویز دادرسی مستقیم در جرایم منافی عفت، چالش‌هایی را برای کنشگران عدالت کیفری و نیز

طرفین دعوی، به‌ویژه قربانیان و شهود و مطلعان به ارمغان آورده است. اصلی‌ترین توجیه چنین برداشتی در ظاهر لزوم بزه‌پوشی این جرایم بوده که با بررسی پیشینه شرعی موضوع و استفتائات صورت‌گرفته بطلان آن مبرهن است، زیرا هیچ مبنایی در دست نیست که دادگاه بزه‌دیده را به بزه‌پوشی و انصراف از شکایت خویش ترغیب نماید که این خود ظلمی مضاعف به اوست. قانونگذار در راستای نیل به این هدف، دادسرا را از استماع شکایت شاکی منع و وی را به دادگاه هدایت نموده که این امر توجیه شرعی و حتی جرم‌شناختی ندارد. از آنجایی که جرایم جنسی به‌طور معمول همراه با آدم‌ربایی، توقیف غیرقانونی، تهدید و تهیه فیلم و نظایر اینهاست، شکایت شاکی ناگزیر به دو بخش، یعنی جرایم با کیفرخواست و جرایم بدون کیفرخواست تقسیم شده و درخصوص قسمت دوم، یعنی جرم‌های جنسی، دادسرا قرار عدم‌صلاحیت صادر می‌کند. این سیاست دوگانه در عمل موجب می‌شود که شاکی، شکایت خود را هم‌زمان در دو مرجع پیگیری نماید و متهم نیز به دو مرجع پاسخگو باشد که در عمل موجب اطالة دادرسی و تحمیل هزینه‌های اقتصادی است. افزون بر این، بروز اختلاف صلاحیت‌های بی‌مورد و مکرر بین مراجع قضایی و مشکلات ناشی از سیستم وحدت قاضی تعقیب، تحقیق و دادرسی که اصل بی‌طرفی را به چالش می‌کشد، در مجموع، موجبات دلسردی شاکی و عدم‌امید به محاکمه سریع و حتمی متهم را فراهم می‌آورد.

ممکن است ایراد شود که رسیدگی به جرایم جنسی مطابق روال منطقی همه جرایم در دادسرا و سپس دادگاه (بدون تفکیک)، بزه‌دیده را در شرایط سخت‌تری قرار داده و موجب می‌شود وی مراتب بزه‌دیدگی را در چند نهاد تکرار نماید. پاسخ این است که این موضوع در عمل برعکس بوده و روال فعلی بیشتر موجب تشدید بزه‌دیدگی می‌شود. برای مثال، در جرم‌های آدم‌ربایی و تجاوز به عنف، به هنگام تحقیق و بازجویی نسبت به آدم‌ربایی، ناگزیر، هرچند غیرمکتوب، در جریان کم‌وکیف تجاوز به عنف نیز قرار می‌گیرد و بزه‌دیده بیش از آنکه به موضوع آدم‌ربایی پاسخ دهد، پیرامون رنج‌های ناشی از بزه‌دیدگی جنسی سخن می‌راند. در این موارد، اگر به وی اجازه سخن گفتن درباره تجاوز به عنف داده نشود یا اینکه اظهاراتش صورت‌مجلس نگردد، آزرده‌خاطر شده و شبهه جانبداری از بزهکار و بی‌کفایتی مراجع قضایی در ذهن او شکل گرفته و احساس درماندگی و بزه‌دیدگی بیشتر بر وی غلبه می‌نماید. وانگهی، چنانچه موضوع تجاوز به عنف در دادگاه کیفری یک موردتحقیق قرار بگیرد، بزه‌دیده باید دوباره و این بار با تفصیل بیشتر مآقع را برای قضات این دادگاه توضیح دهد و همین تکرار و بازگویی تجربه بزه‌دیدگی برای قضات متعدد در مراجع گوناگون به‌لحاظ روان‌شناختی تصویر نامطلوبی عرضه کرده و حس بزه‌دیدگی را تشدید می‌کند. از آنجایی که عنصر رضایت در آدم‌ربایی، قرینه‌ای است که بر سرنوشت تجاوز به عنف نیز اثرگذار است،

دادگاه باید منتظر تعیین تکلیف پرونده آدمربایی در دادسرا باشد و این خود به اطلاع دادرسى دامن خواهد زد. در این حالت، اگر دادگاه بدون توجه به پرونده دادسرا به رسیدگی ادامه دهد، ممکن است با تأکید بر تجاوز به عنف و نیز ربایش به نتیجه دیگری مغایر با تصمیم دادسرا که درمورد اتهام آدمربایی قرار منع تعقیب صادر نموده است، دست یابد. اما اگر دادسرا به تمام محورهای شکایت یکجا و بدون تفکیک رسیدگی نماید، پرونده‌ای کامل و منسجم نزد دادگاه کیفری یک ارسال می‌شود که تکلیف تمامی عناوین اتهامی مشخص است و دیگر ضرورت ندارد که شاکی دوباره و از سر اجبار همه مآوقع را توضیح دهد؛ کافی است بگوید شکایتش به شرح اظهارات اخذشده در دادسراست؛ همان‌طور که در دادگاه کیفری تحقیق چندانی از شاکی نمی‌شود و به شرح شکوائیه و اظهارات اخذشده در دادسرا اکتفاء می‌گردد.

پژوهش‌های مکتوب و ادبیات حاکم بر آنها برای توجیه رسیدگی اختصاری به جرایم جنسی بیشتر در دو اصل بزه‌پوشی و سرعت در رسیدگی از طریق حذف یک مرحله از فرایند دادرسی خلاصه می‌شود، حال آنکه این نوع دادرسی مغایر با دستاوردهای ادعایی و تبدیل به نقاط ضعف شده‌اند. بدین ترتیب، نه تنها در عمل بزه‌پوشی صورت نگرفته است، بلکه یک بزه چندین مرتبه مطرح و دادرسی نیز روند طولانی‌تری پیدا کرده است. نوآوری تحقیق حاضر در آن است که تا پیش از این، هیچ پژوهشی در راستای تشخیص این چالش‌ها و ارائه راهکار دقیق نگاشته نشده و تنها در سطح نظری به توجیه سیاست جنایی تقنینی در جرایم جنسی پرداخته شده است، حال آنکه مشکلات فقط در برخورد عملی و از زاویه قاضی رسیدگی‌کننده نمایان می‌شوند که بی‌گمان، از دید اکثریت پژوهشگران حقوقی که بیشتر به نظریه‌ها پرداخته و با مسائل کاربردی ارتباط نمی‌گیرند، مشاهده و بررسی نمی‌شوند.

بررسی و تحلیل داده‌های آماری (آمار توصیفی و تحلیلی) که در این پژوهش با کاربرست پرسش‌نامه میان ۷۰ نفر از قضات همدان انجام شده و در قالب جدول‌ها و نمودارهای گوناگون به تصویر درآمده است، چالش‌ها، نارضایتی‌ها و مشکلات عملی نظام دادرسی اختصاری را در جرایم جنسی نشان می‌دهد. آمار توصیفی با ویژگی‌های دموگرافیک و نیز متغیرهای مرتبط با فرضیات تحقیق و آمار تحلیلی از آزمون‌های کولموگوروف-اسمیرنوف، T تک‌نمونه‌ای، فریدمن، خی‌دو و آزمون اتا استفاده شده است. تجزیه و تحلیل داده‌های استخراج‌شده که با نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۵ انجام شده است، ایرادها و چالش‌های رسیدگی مستقیم به جرایم جنسی را در سطح بالا و معناداری نشان می‌دهد. با لحاظ این مشکلات، بازنگری در ماده ۳۰۶ ق.آ.د.ک و عدول از نظام دادرسی اختصاری در جرایم جنسی، به‌ویژه در صورت تداخل این نوع جرایم با جرایم تعزیری دیگر، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

فهرست منابع

- آخوندی، محمود. «اثبات جرایم منافی عفت از نگاهی دیگر». *مجله مطالعات راهبردی زنان* ۲۲ (۱۳۸۲): ۱۰۷-۱۲۹.
- آقایی، مهدی. رسیدگی به جرایم منافی عفت. چاپ اول. تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه، ۱۳۹۷.
- شاه‌حیدری‌پور، محمدعلی، احمد رفیعی و محمدجواد شهنساری. *قانون آیین دادرسی کیفری* ۱۳۹۲ (با الحاقات و اصلاحات بعدی) و نظریه‌های مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه به انضمام مواد قانونی مرتبط، آرای وحدت رویه. چاپ دوم. ویرایش اول. تهران: روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۵.
- پایگاه اینترنتی دفتر آیت‌الله سید علی خامنه‌ای. <http://www.leader.ir/fa/istifta>.
- توجهی، عبدالعلی و رحمان صبوچی. «سیاست جنایی بزه‌پوشی در حدود (با تأکید بر جرایم منافی عفت)». *مجله دادرسی* ۱۰۸ (۱۳۹۳): ۲۱-۱۵.
- توجهی، عبدالعلی. «سیاست جنایی حمایت از بزه‌دیدگان». *مجله مجتمع آموزش عالی قم* ۴ (۱۳۷۸): ۲۷-۴۶.
- جوانمرد، بهروز. «رویه‌های قضایی و نظریه‌های مشورتی پیرامون جرم رابطه نامشروع». *دوفصلنامه قضایی (حقوقی کیفری)* ۱ (۱۳۹۵): ۳۷-۴۳.
- حدادزاده نیری، محمدرضا. «تحقیق در جرایم منافی عفت». *مجله حقوقی دادگستری* ۶۷ (۱۳۸۸): ۱۲۶-۱۱۵.
- حسینی، سید محمد و نفیسه متولی‌زاده نائینی. «بررسی نظریه برچسب‌زنی با نگاه به منابع اسلامی». *فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی* ۴ (۱۳۹۱): ۱۳۶-۱۱۷.
- حیدری، مسعود و سید محمود میرخلیلی. «مبانی فقهی مدیریت خطر در مقابله با بزهکاری». *مجله پژوهش‌های فقهی* ۱ (۱۳۹۷): ۵۳-۲۵.
- خالقی، علی. *نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری*. ویرایش دوم. چاپ ششم. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۵.
- رجب‌گلدوست جویباری و فرامرز قلی‌پور جمنانی. «عدول از اصل تفکیک مقام تعقیب از مقام تحقیق در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲». *مجله حقوقی دادگستری* ۹۲ (۱۳۹۲): ۱۴۳-۱۲۵.
- رستمی، هادی. *آیین دادرسی کیفری*. چاپ اول. تهران: نشر میزان، ۱۳۹۷.
- زارعی محمودآبادی، مهدی. «واکاوی بزه‌پوشی در قوانین کیفری ایران». *مجله مطالعات حقوقی* ۱۷ (۱۳۹۶): ۳۱۲-۲۹۳.
- شاکری، ابوالحسن و رضا هادی‌زاده. «اصل تفکیک مقام تعقیب از مقام تحقیق در حقوق ایران». *پژوهشنامه حقوق کیفری* ۱ (۱۳۹۵): ۱۶۴-۱۴۱.
- شاملو، باقر و افشین عبداللہی. «دستاوردهای مدیریتی جرم‌شناسی در آیین دادرسی کیفری». *دوفصلنامه پژوهشنامه حقوق کیفری* ۲ (۱۳۹۴): ۹۹-۱۲۸.

- شیدائیان، مهدی و زینب شیدائیان. «رویکرد قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ به جرایم منافی عفت». مجله حقوقی دادگستری ۱۰۱ (۱۳۹۷): ۱۴۰-۱۱۷.
- شیدائیان، مهدی و یزدان نصرتی. «شناسایی و چالش‌های تعقیب کیفری با نگاهی به حقوق انگلستان». فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی ۸۲ (۱۳۹۷): ۱۹۶-۱۶۵.
- صالحی، جواد. «رویه قضایی دادگاه‌های بین‌المللی کیفری در مواجهه با جرایم جنسی علیه کودک سربازان دختر». فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی ۶۱ (۱۳۹۵): ۴۶-۹.
- ضرغامی، فرید و نسربین مهرا. «مبانی دادرسی بدون کیفرخواست در نظام‌های حقوقی ایران و انگلستان». مجله پژوهش‌های حقوق تطبیقی ۲ (۱۳۹۳): ۱۵۲-۱۲۷.
- گلدوست جویباری، رجب و رحمان پیوست. «نقش قضات در اطلاع دادرسی». مجله حقوقی دادگستری ۵۴ (۱۳۹۰): ۱۱۶-۹۱.
- محمدی جورکویه، علی. «سیاست جنایی اسلام در جرایم جنسی». مجله حقوق اسلامی ۲۴ (۱۳۸۹): ۸۷-۱۲۲.
- مؤمنی، منصور. تجزیه و تحلیل آماری با نرم‌افزار SPSS. چاپ سوم. تهران: نشر کتاب نو، ۱۳۹۶.
- میرخلیلی، سید محمد. «مبانی و راهبرد سیاست جنایی اسلام». مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی ۲ (۱۳۹۴): ۳۴۰-۳۰۷.
- نوبهار، رحیم. «قاچاق زنان برای روسپی‌گری از منظر آموزه‌های اسلامی با نگاه به مقررات بین‌المللی و حقوق ایران». مجله مدرس علوم انسانی ۴۷ (۱۳۸۵): ۲۲۰-۱۸۷.

Journal of CRIMINAL LAW AND CRIMINOLOGY

VOL. VIII, No. 2

2020-2

- **Sexual Violence against Yazidi Women as Genocide with Emphasis on Rwandan International Court's Judgment in Akayesu Case**
Dr. Ali Khaleghi & Mohammadreza Barzegar
- **Deterrence of Ta'zirat Organization Strategies**
Nematallah Byranwandy & Dr. Ghobad Kazemi
- **Mitigating Circumstances in the ICC Sentencing Judgments**
Dr. Sadegh Salimi
- **The International Criminal Court Approach to Punishment Objectives**
Mahdireza Sadeghi & Dr. Seyyed Ghasem Zamani
- **Realism in Criminal Decision Making**
Dr. Ayoub Noorian & Dr. Gholamreza Mohammad Nasl
- **Summary Proceeding on Sexual Offenses (Challenges and Solutions)**
Dr. Hadi Rostami & Naser Ghorbanpur
- **The Concept and Functions of "Situation" at "the International Criminal Court"**
Dr. Mohammad Hadi Zakerhossein
- **Approaches of Deprosecution in the Light of Individualizing of Criminal Justice Policy**
Hossein Fathabadi & Dr. Mohammad Ali Mahdavi Sabet
- **Super Rationalization in Criminal Policy Making of Iran**
Dr. Ali Saffari & Pegah Naderi
- **Investigating The Triple Crimes (Deforce, Obstruction and Harassment) of the Right in the light of the Difference Interpretations of the Courts**
Dr. Abolqasem Khodadi
- **Assessing the Addiction Impact and Supervisory Status on Child Sexual Abuse with a Focus on the Obtained Samples from Social Emergency Centers in Tehran**
Sepideh Shahidi & Dr. Tahmoores Bashiriyeh & Dr. Seyyed Mahdi Saberi & Dr. Asghar Abbasi
- **Political Foundation and Practical Dilemma of Compensation of Innocent Arrested Persons in Iranian Criminal Process**
Jahanbakhsh Soleimani & Dr. Iraj Goldouzian & Dr. Mohammad Rouhani Moghadam



S. D. I. L.
The S.D. Institute of Law
Research & Study